

## موزه به مثابه متن

### مقدمه‌ای در نسبت میان دانش نشانه‌شناسی و نهاد موزه

● سجاد باغبان ماهر

استادیار موزه و گردشگری دانشگاه هنر اصفهان baghbbansajjad@gmail.com

#### چکیده

موزه‌خوانی عنوان کتابی از رضا دبیری‌نژاد است که به‌تازگی منتشر شده و در اختیار جامعه دانشگاهی و فرهنگی ایران قرار گرفته است. مؤلف از متخصصان موزه‌داری و از مدیران خوش‌نام موزه‌های کشور است که در این کتاب با بهره‌گیری از روش نشانه‌شناسی، سازوکار تفسیر اشیاء موزه‌ای و نظام معنایی در موزه‌ها را تحلیل می‌کند. چون این مبحث به‌تازگی مطرح شده و ادبیات علمی کافی حول آن شکل نگرفته است، در این مقاله ابتدا نسبت میان دانش نشانه‌شناسی و نهاد موزه، تبیین می‌شود و جغرافیای بحث نشانه‌شناسی و موزه، تحدید خواهد شد. سپس با نگاهی انتقادی مباحث کتاب موزه‌خوانی مرور می‌شود.

**کلیدواژه:** نشانه‌شناسی، موزه، موزه‌داری، گفتمان، تفسیر، پیرامتن، نظام معنایی

#### مقدمه

خوشبختانه امروز، پس از حدود دو دهه که از طرح مباحث و نظریه‌های نشانه‌شناسی در جامعه دانشگاهی ایران می‌گذرد، عبارت «نشانه‌شناسی» و رویکردهای آن برای متخصصان حوزه علوم انسانی و هنر، به خوبی آشناست؛ اما برای ورود به بحث، باید برخی مفاهیم اساسی نشانه‌شناسی - که در تحلیل‌های موزه‌ای استفاده می‌شود - بازتعریف شود. دکتر نجومیان، در مقدمه کتاب *مقالات کلیدی نشانه‌شناسی*، یکی از کارگشایان تعاریف نشانه‌شناسی را صورت‌بندی کرده است: «نشانه‌شناسی بررسی، تحلیل و تفسیر کنش دلالت‌پردازی [و] فرایند معناسازی پدیده‌های عالم است.» در نشانه‌شناسی همچنین فرایند خوانش و دریافت معنا، بررسی و تحلیل می‌شود؛ بنابراین موضوع اصلی نشانه‌شناسی «فرایند معناسازی» است که تابع چند گزاره کلیدی است:



■ دبیری نژاد، رضا (۱۳۹۷). *موزه خوانی*. تهران: ایران نگار.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۳ و ۴  
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۱۵۸

۱. نشانه‌ها در نسبت با یک ساختار و «زبان زیرین» معنا تولید می‌کند.
  ۲. تولید معنا درون یک نظام عمل می‌کند و هر نظامی دارای دستور زبان ویژه خود است.
  ۳. هستی یک نشانه و معناداری آن الزاماً با «تمایز» آن با نشانه‌های دیگر شکل می‌گیرد.
  ۴. معنا امری برساخته، صوری، غیرذاتی و دل‌خواهی است که بر اساس قراردادی مشخص (و گاه نانوشته) میان اعضای یک نظام، شکل می‌گیرد.
  ۵. شکل‌گیری معنای متن، امری محاکاتی نیست؛ بلکه معنا درون جهان متن ساخته می‌شود.
- نشانه، ماهیتی «مادی، فرایندی و بینامتنی» دارد. «مادی» به این معنا که نشانه الزاماً جنبه ارجاعی ندارد و گاه به هیچ‌چیز غیر از خود دلالت ندارد (نجومیان، ۱۳۹۶، ص. ۹). نسبت میان نظام موزه‌ای و دانش نشانه‌شناسی را می‌توان به اشکال متعددی، صورت‌بندی کرد. در این مقاله عرصه‌های مختلف تعامل میان این دو عرصه، تبیین خواهد شد.

### موزه به مثابه یک «نظام متن‌ساز»

به‌اختصار اشاره شد که از منظر دانش نشانه‌شناسی، معنا همواره درون سیستم یا نظام، شکل می‌گیرد. نشانه‌ها اگر درون بستر و چارچوب منطقی قرار نگیرد، برقراری ارتباط و خوانش مخاطب، ممکن نخواهد بود. برای مثال، زبان، نظامی است که معنادار شدن واژه‌ها را ممکن می‌سازد، اما بدون چنین نظامی، هر واژه فقط به صوتی بی‌معنا تبدیل می‌شود. رنگ قرمز زمانی معنای توقف می‌دهد که درون نظام نشانه‌ای علائم راهنمایی و رانندگی قرار گیرد، همین نظام معنایی موجب

می‌شود، مخاطب از سرخ شدن رنگ چراغ‌راهنما معنای خشونت، عشق، عاشورا یا هر معنای ممکن دیگری را دریافت نکند؛ زیرا آن معانی نه در ذات رنگ قرمز، بلکه در جایگاهی است که «نظام» به رنگ قرمز به‌مثابه نشانه توقف داده است. از نظر نشانه‌شناسان، تمام متن‌ها با سازوکار مشابهی تولید می‌شود. از جمله این نظام‌ها، نظام موزه‌ای است که امکان معنامندی نشانه و ساخته شدن متن‌ها را مهیا می‌کند. اشیا با وارد شدن به درون موزه و قرار گرفتن در ویترین، درگیر فرایندی می‌شود که می‌توان آن را «فرایند موزه‌ای شدن» یا «متن‌شدگی» نامید. آن چه ما در موزه‌های جهان، به‌مثابه اثری «موزه‌ای» توجه می‌کنیم و ارزش‌های هنری، تاریخی، طبیعی، مردم‌شناختی و ... را در آن می‌جوئیم، اغلب در زمانی، دور یا نزدیک در بیرون موزه، به‌عنوان شیئی «عادی» تلقی می‌شود که نقشی مصرفی، کاربردی یا طبیعی در زندگی روزمره دارد. نهاد موزه با انتخاب و برگزیدن یک شیء فرایند موزه‌ای شدن را آغاز می‌کند، سپس با عمل «در قاب نهادن»<sup>۱</sup> زمینه تمایز نشانه‌شناختی میان آن شیء یا اشیا مشابه و هر شیء دیگری بیرون از موزه را فراهم می‌آورد. در دانش نشانه‌شناسی، یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری معنا «تمایز» است. یکسان بودن دال‌ها همیشه در معنا اختلال ایجاد می‌کند که گاه مانع ارتباط و انتقال معنا می‌شود و البته برای هنرمندان و شاعران دستمایه خلق صنایع ادبی است:

این‌یکی شیر است اندر بادیه      آن دگر شیر است اندر بادیه  
این‌یکی شیر است کآدم می‌خورد      و آن دگر شیر است کآدم می‌خورد

پس تمایز یافتن اشیاء از مهم‌ترین کنش‌های معناساز در فرایند موزه تلقی می‌شود که افزون بر معنا، ارزش نیز تولید می‌کند. اشیاء موزه‌ای قاعدتاً با ارزش‌تر، گران‌تر و مهم‌تر از اشیا غیرموزه‌ای است که مراقبت، حراست و حفاظت مستمر می‌طلبند. به‌گمان نشانه‌شناسان، هیچ ارزشی فی‌نفسه در ذات اشیا نیست؛ برای مثال ارزش‌های فرهنگی آشکارا وابسته به نظام فرهنگی جوامع و انسان‌هاست و دلیل اهمیت اشیا موزه مردم‌شناسی را تعیین می‌کند. ارزش تاریخی اشیا نیز با این‌که به ویژگی ذاتی، یعنی قدیمی بودن مربوط است، اما در این مورد نیز ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، شیئی قدیمی را کهنه و از رده خارج تلقی می‌کند، یا با موزه‌ای شدن آن‌را به اثری تاریخی و واجد ارزش بدل می‌سازد. بسیاری از بناها و اشیای باستانی در طول قرن‌های متمادی برای مردمان روزگار گذشته، هیچ اهمیت و ارزشی نداشت و ارزش‌های دوران مدرن، موجب شد، میراث فرهنگی به‌مثابه عنصر سازنده هویت ملی در نظر آید و چیزهای کهنه و فرسوده قدیمی به چیزهایی صاحب ارزش تبدیل شود. به‌عبارت دیگر، موزه با «نام‌گذاری» کردن، کنشی نشانه‌شناختی انجام می‌دهد و دلالت‌های جدید را از دال‌های پیشین مهیا و ممکن خواهد ساخت.

## موزه به‌مثابه‌ گفتمان

موزه با این‌که نظامی متن‌ساز است، همچنین می‌تواند به‌مثابه‌ سپهر گفتمانی حاکم عمل کند. در ایران معاصر، موزه را می‌توان نماینده و نماد گفتمان‌هایی مانند: شرق‌شناسی، دیگری‌سازی، بافت‌زدایی، تقدس‌زدایی و بازمقدس‌سازی در نظر گرفت. موزه، پدیده‌ای مدرن و غربی است و حضورش در ایران حاصل رویکرد شرق‌شناسان اروپایی به خاورمیانه است. صورت‌بندی تاریخ ایران، همچنین نظام طبقه‌بندی اشیاء در موزه‌های ایران و حتی تاریخ‌گذاری‌ها و نام‌گذاری‌ها، بیشتر تابع گفتمان علمی غرب بوده است و ما همواره از آینه غرب به گذشته خویش نگریسته‌ایم. عبارت «خاورمیانه» نشانه‌ای است که نشان می‌دهد معنا، حدود و تعریف این در نسبت با اروپایی‌ها معنا دارد و یا عبارت‌هایی مانند: مینیاتور، هنرهای تزئینی و ... نشانه‌هایی از گستره گفتمان شرق‌شناسی در ایران است.

ما شرقیان «دیگری» انسان غربی هستیم؛ موزه‌های بزرگ و معتبر غرب، مملو از اشیای سرزمین‌های دور و غریب است که برای اروپایی‌ها هم جذاب و هم ترحم برانگیز است؛ چون بیشتر متعلق به سرزمین‌هایی عقب‌مانده و نامتمدن، اما بسیار رازآلود است و حس کنجکاوی را تحریک می‌کند. به همین دلیل، موزه‌ها جذاب است چون نمایشی از دیگری خواهد بود. به همین نسبت، فرنگی‌ها برای ایرانیان دیگری محسوب می‌شوند، اما دیگری مسلط یا دیگری «بزرگ» خواهند بود. شاید به همین دلیل، آنچه در موزه‌های غربی نمایش داده می‌شود، برای ایرانی‌ها مهم‌تر و با ارزش‌تر تلقی می‌گردد. صف بلند مردم ایران، برای بازدید از نمایشگاه موزه لوور در تهران از نشانه‌های دیگری بزرگ است. لوور از نمادهای گفتمان شرق‌شناسی و دیگری غربی برای ماست چنان‌که با تلفظ اشتباه نام این موزه از سوی یک نماینده مجلس به‌مثابه گناهی نابخشودنی در جامعه ایرانی برخورد شد اما هیچ‌گاه تلفظ اشتباه نام موزه دیگری، در نقطه دیگر جهان، امر مهمی محسوب نمی‌شود.

## موزه به‌مثابه نهادی حقیقت‌ساز و حقیقت‌یاب

موزه میان اهالی فرهنگ و میراث‌فرهنگی، محلی برای تجلی تاریخ، هویت، زیبایی و حقیقت است. در این دیدگاه، آنچه به موزه راه‌یافته، اصالت دارد و نیازمند تکریم، تمجید و حراست است. در یک کلام، موزه جایگاه مورد احترامی است که اشیاء و امور مقدسی را در خود جای داده است؛ ریشه‌شناسی واژه موزه - که جایگاه مقدس خدایان اسطوره‌ای در یونان باستان بود- نیز در تقویت این ایده عمل می‌کند. چنین دیدگاهی، البته ناروا نیست؛ گو اینکه موزه در طول تاریخ محل گردآوری اشیاء مهم و مقدس بوده است و از این نظر شباهت زیادی به کارکرد معابد باستانی دارد. اما رویکرد تحلیلی و انتقادی، موزه و نسبت آن با حقیقت را به چالش می‌کند و

آن را درون ساخت قدرت و هژمونی اجتماعی صورت‌بندی می‌کند. نجومیان دربارهٔ نسبت موزه با ایدئولوژی و واقعیت می‌گویند:

«موزه درگیر ایدئولوژی‌ها و تفسیرهاست. موزه یک فضای خنثی نیست و در آن مجموعه‌ای از ارزش‌های ایدئولوژیک شکل گرفته است و به همین دلیل موزه‌ها فضایی هستند برای تفسیر. هر باز‌نمایی در موزه یک‌جور سوگیری دارد. باز‌نمایی موزه‌ها یک تصویر خیالی از واقعیت را منعکس می‌کند. موزه‌ها درگیر انتخاب هستند که چه چیزهایی را به نمایش بگذارند و سؤال این است که این ابژه‌ها چه میزان از واقعیت آن دوره را به ما نشان می‌دهند و در درک و تفسیر ما از آن دوره مؤثرند. هرگونه شکل باز‌نمایی ریشه در نوع تفسیر دارد. موزه‌ها نماد ارزش‌گذاری نظام ایدئولوژیک در هر جامعه‌ای هستند و می‌توان با تماشای موزه‌ها گفتمان غالب و جاری در آن کشور را دانست (نجومیان، ۱۳۹۷، وب‌سایت مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی).»

پس در این رویکرد، نشانه‌شناسی به‌عنوان ابزار تحلیل در خدمت مباحث انتقادی عمل می‌کند و تفسیرهای متفاوتی از کارکرد موزه در جامعه ارائه خواهد داد.

## موزه به مثابه پیرامتن<sup>۲</sup>

دانش نشانه‌شناسی تطبیقی یا آن‌چه امروزه با عنوان بینامتنیت اشاره می‌شود، از جمله ابزارهای تحلیل است که در مورد موزه‌ها به‌کار می‌آید. مفهوم پیرامتن را نخستین بار ژرار ژنت<sup>۳</sup> از نظریه‌پردازان این حوزه، مطرح کرد. از نظر وی، هر «متن» را تعداد زیادی از متون جانبی در بر گرفته و احاطه کرده است که برای مخاطب، به‌مثابه آستانهٔ معنایی برای ورود به معنای متن اصلی عمل می‌کند و طبیعتاً بر شیوه دریافت و مواجهه ما با معنای اصلی جهت می‌دهد و تأثیر می‌گذارد. پیرامتن‌ها اغلب توضیحی درباره متن می‌دهد که گاه بدون این توضیحات امکان دریافت متن مقدور نیست (نامور مطلق، ۱۳۸۶، ص. ۹۱).

موزه‌دارها الزاماً مؤلفان متن‌های نیستند، ولی خالق خرده‌پیرامتن‌های متعددی هستند که آستانهٔ ورودی مخاطب را به جهان متن مهیا می‌کنند. توضیحات و متن‌های مختلفی که در ورودی موزه، ابتدای هر سالن، کنار ویتترین‌ها، زیر هر شیء، یا در کاتالوگ‌ها و بروشورهای متعدد موزه نوشته می‌شود، به‌مثابه پیرامتن، نقش مهمی در دریافت مخاطب از معنای آثار موزه‌ای دارد. در نتیجه، با آن‌که موزه‌ها هیچ‌گاه شیء موزه‌ای نمی‌سازد و صادرکنندهٔ معنای متن نیست، اما نمی‌توان نادیده گرفت همواره با انتخاب و ترکیب، درگیر نظام نشانه‌شناختی محورهای هم‌نشینی و جانشینی است و با مجموعهٔ منسجمی از متن‌های توضیحی، در حال تکمیل نظام معنایی موردنظر خویش عمل می‌کند.

از مهم‌ترین لایه‌های معنایی در موزه، نام‌گذاری اشیا و سالن‌هاست. برای مثال:

اشیای متعلق به تمدن ایرانی در موزه لوور در دو سالن متفاوت ارائه شده است که یکی عنوان «خاورمیانه باستان» و دیگری «هنر اسلامی» را دارد. صورت‌بندی معنایی تعلق جغرافیایی و تمدنی این اشیاء، از اشاره به «ایران» امتناع دارد و آن را درون چارچوب معنایی دیگری قرار می‌دهد. بدین ترتیب «ایران» که در نام‌گذاری سالن‌های موزه ایران باستان، بدیهی‌ترین و برجسته‌ترین عنصر معنایی در جایگاه و خاستگاه تمدنی اشیاء موزه است، در موزه لوور به حاشیه رفته است. از منظر نشانه‌شناسی، نام‌گذاری هر یک از این سالن‌ها در موزه‌های مذکور، پیرامنی است که موزه‌دار آن موزه، حول اشیاء آن موزه تنیده و با آن، در شکل‌گیری معنای نهایی در ذهن مخاطب نقش ایفا می‌کند.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۳ و ۴  
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۱۶۲

### موزه به مثابه نهاد مرجعیت و مشروعیت

در طول تاریخ و در تمدن‌های مختلف، معمولاً نهادهای مذهبی منشأ مشروعیت بخشی به جامعه بوده است. در دوره معاصر، بسیاری، موزه‌ها را معابد امروزی می‌نامند و موزه را نهادی می‌دانند که در کمبود نهادهای مذهبی در دوره مدرن و از رنسانس به بعد، کارکرد مرجعیت و مشروعیت به عهده گرفته است و مکان مقدس انسان مدرن محسوب می‌شود؛ جدا از ریشه تاریخی شکل‌گیری موزه‌ها در دوره باستان که اشاره شد. ساختار و ساحت موزه نیز در تداعی میان موزه و معبد، تأکید می‌کند. موزه، فضایی است که مخاطب را همواره به حضور می‌طلبد و برخلاف سایر نهادهای فرهنگی و هنری، نسخه خانگی و قابل حمل ندارد. به تعبیر والتر بنیامین، موزه هنوز «هاله»<sup>۴</sup> خود را از دست نداده است. ما درون موزه به شکل ویژه‌ای سکوت و آداب احترام‌آمیز رعایت می‌کنیم. برای افراد بسیاری، بازدید از موزه‌های بزرگ جهان، همچون آیین تشریف و مانند مناسکی معنوی برگزار می‌شود. از سوی دیگر، چنان‌که اشاره شد، قرار گرفتن یک «چیز» در موزه، آن را متمایز می‌کند و آن را اصیل جلوه می‌دهد. هیچ شیء جعلی، تقلبی و بدلی در موزه جایی ندارد. پس موزه مرجع مشروعیت هنری و تاریخی نیز هست. چنین وضعیتی، امکان خوانش‌های متعدد نشانه‌شناختی از کارکرد موزه را وسعت می‌بخشد.

### کتاب موزه خوانی

کتاب موزه‌خوانی در سه فصل، همراه مقدمه سید محمد بهشتی، رئیس سابق پژوهشگاه میراث فرهنگی منتشر شده است. فصل اول، مفاهیم اولیه و بنیادین نشانه‌شناسی، برای آشنایی خوانندگان به‌عنوان مقدمه ورود به بحث اصلی مطرح می‌شود. فصل دوم که عنوان موزه‌خوانی را همراه دارد، هسته مرکزی مباحث نظری مؤلف است که سه مقاله کلیدی دارد. دبیری نژاد، در این فصل، ابتدا به تشریح نظام موزه‌ای می‌پردازد و درباره شیوه‌ها و ابزارهای بیان موزه‌ای، توضیح

می‌دهد. او موزه را جهانی مملو از نشانه می‌داند که برای فهم و تفسیر آن بایستی مکانیسم و سازوکار داده‌پردازی در موزه را شناخت و سپس به خوانش یا تفسیر آن نشانه‌ها اقدام کرد. مهم‌ترین بحث تئوریک کتاب، در مقاله موزه‌ای شدن از منظر موزه‌خوانی، مطرح می‌شود. مؤلف با طرح مفهوم کلیدی اثر بسته و اثر باز - که از مقاله مهم و تأثیرگذار رولان بارت<sup>۵</sup> (۱۳۷۳) اخذ کرده است - موزه و آثار درون موزه را متن‌هایی گسترده و مهیای خوانش‌های متعدد در نظر می‌گیرد:

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۳ و ۴  
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۱۶۳

«اثر بسته دارای خوانشی محدود و یک‌سویه است و در واقع جهان موزه ادر این رویکرد] مستقل از مخاطب کار خودش را می‌کند و مخاطب تماشاگر [منفعل] این جهان است... اما در اثر باز مخاطب در درون متن و جهان متن واقع می‌شود و آن را می‌خواند. ... موزه‌ای شدن فرایند تبدیل آثار به متن و بسترسازی برای خوانش است (دبیری نژاد، ۱۳۹۷ ص. ۵۴)».

به این ترتیب، مؤلف کتاب با اتخاذ رویکردی پسا‌ساختارگرا، مخاطب را حامل معنای آثار موزه‌ای می‌داند که با شیوه مواجهه‌شان عنصر تعیین‌کننده در شکل‌گیری معنا هستند؛ تا حدی که در نهایت، سخن از مرگ پدیدآور و زایش مخاطب به میان آورده می‌شود (دبیری نژاد، ۱۳۹۷، ص. ۶۵). دبیری نژاد پیش از این در کتاب دیگری نسل سوم موزه‌ها را با استعاره آینه صورت‌بندی کرده بود. به تعبیر وی، در دوره معاصر، اشیاء موزه‌ای بیش از آن که داده‌ای مفصل علمی یا تاریخی و هنری به مخاطب بدهد، به‌مثابه آینه‌ای است که امکان تماشای خویشتن را برای مخاطب فراهم می‌کند، چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی (دبیری نژاد، ۱۳۹۴، ص. ۱۸۸). موضوع دیگری که در این بخش، به آن توجه می‌شود، بحث دلالت صریح و دلالت‌های ضمنی است. نویسنده کتاب در این‌جا نیز متأثر از نظریه‌های بارت، کارکرد اصلی نشانه‌شناسی در تحلیل متن موزه‌ای را تحلیل نظام دلالت‌های معنایی و توجه به معانی غیرمستقیم می‌داند که به‌شکلی سیال و انبوه در اثر باز وجود دارد. «همین دلالت‌های ضمنی است که امکان برداشت‌های فرهنگی و اجتماعی از اثر را فراهم می‌آورد و اثر را به مخاطب امروزی پیوند می‌دهد و در واقع، اثر را امروزی و پویا می‌سازد» (دبیری نژاد، ۱۳۹۷، ص. ۶۵).

فصل سوم کتاب، شامل چندین تکننگاری و تحلیل موردی است که در قالب یادداشت و مقاله پیش از این به‌صورت پراکنده، منتشر شده است. نویسنده، با تکیه در نظریه‌ای که در فصل دوم طرح کرد، در موارد متعددی تلاش می‌کند تا فعالیت‌های موزه‌ای در سال‌های اخیر را از منظر نشانه‌شناختی تحلیل کند. از جمله یادداشتی است که وی در تحلیل نمایشگاه «پیکره‌ای برای صلح» در موزه ملی ایران نوشت و به نظر من، نمونه خوبی از رویکرد انتقادی دبیری نژاد در تحلیل نشانه‌شناختی نمایش‌های موزه‌ای خواهد بود. نویسنده توضیح می‌دهد که در این نمایشگاه، موزه‌داران چگونه با انتخاب و هم‌نشینی چندین دال مستقل

توانسته‌اند مدلول کاملاً معاصر و جدیدی خلق کنند. نمایشگاه دربارهٔ مجسمه‌های است که پنه‌لوپه خوانده می‌شود. این نام، مخاطب را به یونان باستان و داستان اسطوره‌های ادیسه هدایت می‌کند و بدین ترتیب، این شخصیت را به نماد زن وفادار و آسیب‌دیده از جنگ و نمایندهٔ صلح‌طلبی، تبدیل می‌کند. از سوی دیگر، چون مجسمهٔ مذکور، قرن‌ها پیش، از رم به ایران آورده شد یا هدیه داده شد، نشانه‌ای از قدمت روابط بین دو تمدن و در معنایی وسیع‌تر نماد ارتباط ایران و غرب، تلقی می‌گردد. نمایشگاه با مجسمه‌های دیگری از این شخصیت اسطوره‌ای تکمیل می‌شود که از موزه‌های ایتالیا، امانت گرفته شد. سخنرانی نمایندهٔ واتیکان، در افتتاح نمایشگاه که اندکی بعد از توافق تاریخی «برجام» میان ایران و غرب برگزار می‌شود نیز صورتی سیاسی می‌یابد و هم‌گفت‌وگو و صلح میان ادیان را به ذهن متبادر می‌کند. تأکید بر صلح، رم و تخت جمشید، در عنوان نمایشگاه، دال دیگری است که نظام معنایی را کامل‌تر می‌کند. بدین ترتیب، نمایشگاهی از چند مجسمه باستانی در موزهٔ ایران باستان، در بافت امروزی شکل می‌گیرد و با مسائل امروزی، پیوند می‌خورد. در واقع، مقالهٔ دبیری نژاد، نشان می‌دهد چگونه نمایشگاه پنه‌لوپه فراتر از روایت باستان‌شناختی، به بیان اجتماعی معاصر، تبدیل می‌شود و موزه‌دار نیز می‌تواند با بیان‌های سیاسی و چالش‌های اجتماعی پیرامونی در ارتباط باشد.

فصلنامهٔ نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شمارهٔ ۳ و ۴  
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۱۶۴

### پی‌نوشت

1. framing
2. Paratext
3. Gerard Genette
4. Aura
5. Roland Barthes

### منابع

- بارت، رولان (۱۳۷۳). *از اثر تا متن* ترجمه مراد فرهادپور. نشریه ارغنون، شماره چهارم، صص ۵۷ - ۶۶.
- دبیری‌نژاد، رضا (۱۳۹۴). *موزه، ویتترین، پنجره، آینه*. تهران: پازینه.
- دبیری‌نژاد، رضا (۱۳۹۷). *موزه‌خوانی*. تهران: ایران نگار.
- نامورمطلق، بهمن (۱۳۸۶). *ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها*. در نشریه پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۶، زمستان. صص ۸۳ - ۹۸.
- نجومیان، امیرعلی (۱۳۹۶). *نشانه‌شناسی (مقالات کلیدی)*. تهران: مروارید.
- نجومیان، امیرعلی (۱۳۹۷). *موزه، متنی است که توسط انسان‌ها خوانده می‌شود*. در وب‌سایت مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی. قابل دسترسی از لینک زیر: <https://cgie.org.ir/fa/news/217511>